

مقدمه

پارادوکس کالا توسعه

فرض کنید که ترکش خمپاره ای نزدیک نخاع یک جانباز را میخواهند جراحی نمایند اما احتمال قطع آن وجود دارد، و از طرف دیگر این جانباز بشدت از وجود این ترکش رنج می برد، چه باید کرد.

زنی شوهر خود را در زلزله و یا سیل از دست می دهد و بر اثر ناچاری و بخاطر بچه هایش با برادر شوهرش ازدواج کرده و بچه دار می شود. پس از چند سال شوهر اول پدیدار گردیده ... اگر شما در چنین وضعیتی قرار بگیرید چه میکنید؟ و چه باید کرد؟ کدام راه از لحاظ دینی، ملی، اخلاقی، احساسی قابل قبول و منطقی می باشد. (هر چند که طرز تلقی های مختلف وجود دارد.)

میخواهیم سیاست خارجی کشور را که در آن منافع ملی اولویت دارد طراحی کنیم اما متوجه می شویم که اتفاقاً این سیاست بِنفع دشمنان ما و به ضرر دوستان (کشورهای همجوار یا هم کیش ...) میباشد. چه میکنیم در کلیه طراحی ها و اقدامات بیشتر پارادوکس هائی وجود دارد که پرداختی به یکی (برای منافع)، مضرات و منافی برای دوستان ما دارد که متضاد با یکدیگر میباشد.

در خصوص کالاها نیز مسائلی وجود دارد که حالت پارادوکس دارند و حل یکی، معضلی برای دیگری میباشد، یک نفع عامل ضرر برای دیگری و ضرر برای دوست ممکن است، منفعت برای ما و نیز دشمنان، داشته باشد. در این وضعیت ها چه باید کرد. در این دنیای پیچیده که فاکتورها بصورت انبوه و پیچیده (*CONFLEXIP*) به سرعت و معکوس در یکدیگر اثر می گذارند و کنترل فهم و عوارض و تقابل آنها مشخص نمی باشد چه باید کرد.

بچه وسیله آنها را کنترل نمود تا در جریان توسعه ساخت کالا و توسعه اقتصادی به جمعیت های مناسبتر پیش بروم. میگویند که اقتصاد ضد اخلاق است نبودن بهره با یکی عامل سقوط اقتصاد است و از طرفی در تضاد با دین هر اسم و نشانه !! در چه صورت، چگونه و چرا باید چنین وخیان کرد و یا نکرد. این بحث در مدیریت استراتژیک ، شیوه مدیریت گونه مفصل را مشخص می کند.

در مقوله پیوست حالتهای عمومی پارادوکس را بررسی می نمائیم.

الف: پارادوکس اعتبار *BURDEN-EOQ*

یکی از پارادوکس‌های تولید، اعتبار، حد نگهداری اقتصادی کالا، و تنخواه گردان می‌باشد. البته ماهیت این مسئله به سیستم مدیریت استراتژیک مربوط است. در این پارادوکس نکات ذیل حائز اهمیت است:

اعتبار: اگر در جریان تولید شیر توپی، شرکتی بخواهد بصورت اصطلاح اعتباری فعالیت نماید و بین مثلاً شرکتهای نفتی شمیران ۱۰۰ هزار شیر توپی بمبلغ ده هزار تومان را تا برگشت پولش (مثلاً ۶۰) روز صبر نماید. اعتباری معادل یک میلیارد تومان لازم دارد.

$$10^9 = 100000 \times 100$$

این شرکت جهت تولید این ۱۰۰ هزار شیر توپی که هزینه متغیر آن ۸ هزار تومان می‌باشد و فرض کنیم که سه ماه طول می‌کشد تا این شیرها ساخته شوند نیاز به اعتباری معادل (جهت مواد اولیه و کارگر ساخت و ...) دارد

$$8,000 \times 100,000 = 8 \times 10^8$$

در واقع از زمان شروع به ساخت ۱۰۰ هزار قطعه شیر تا دریافت وجه فروش کالا این شرکت نیاز به مبلغی معادل ۱/۸ میلیارد تومان دارد.

اگر سرمایه ثابت این شرکت نیز یک میلیارد تومان باشند، پولی معادل ۲/۸ میلیارد تومان تا بهره‌برداری پولی نیاز دارد و چنانچه فرض کنیم که این تولید کننده کالا که می‌توانست پول خود را (باصطلاح ۱۰۰ تومان و ۳ تومان یعنی بهره اجاره‌ای)

$$2/8 \times 3\% = 84 \text{ ماهانه}$$

۸۴ میلیون بابت اجرت المثل پولش دریافت می‌کرد، این شخص لاقط می‌باید ۱۰۰ میلیون تومان به بالا در آمد از پولش داشته باشد تا با توجه به مالیات و ... تولید بیشتر به مرحله آغاز \square مقرون به صرفه بودن \square برسد.

در واقع، این فرضیات اولیه در جریان تولید کالا باید انجام شود یعنی باید یک سازنده فکر کند که دست زدن به این تولید، نیاز به ۲/۸ میلیارد تومان پول دارد که با توجه به (مقایسه) درآمدهای دیگر لاقط ۱۰۰ میلیون تومان به بالا سود تولید نماید تا به مرحله سوددهی مقایسه‌ای برسد و الا با توجه به مسائل ریسک، مالیات، قوانین کارگری، تجارتي امری نا آگاهانه بنظر میرسد.

در کشورهاییکه واسطه‌ها حاکم می‌باشند این پارادوکس بشدت حساس بوده و از اوامری است که در وضعیت خوب نیز ایجاد تعادل ناپایدار می‌کند. البته مراتب فوق در صورتی است که تمام مواد اولیه ساخت شیر توپی با توجه به *EOQ*، در حد *OPTIMOM* این کالا باشد، در غیر اینصورت بنحوی باید در محاسبات جایی هم برای این نکته در نظر گرفته شده و ۱۰۰ میلیون سود فرضی، به مبالغی بالاتر مثلاً ۱۱۰ میلیون سود فرضی ارتقاء یابد.

ب: دانشگاه های آزاد و دانشگاههای غیر انتفاعی

پارادوکس دیگر دانشگاه آزاد می باشد.

از یک طرف تعداد دانشجویان در این دانشگاه به شدت زیاد می شود، از طرف دیگر شغل برای افراد تحصیل کرده رو به نزول نسبی می رود و روزگاری خواهد آمد که ۹۰ درصد تحصیل کرده ها بیکار (بی مصرف) شوند.

در جدول ذیل عوامل متضاد تشریح می گردد.

عوامل مثبت

۱. به کار گیری استادان تحصیلکرده در تدریس در دانشگاه.
۲. مشغول کردن تعداد زیادی از دیپلمه‌ها به درس خواندن.
۳. توسعه اجاره نشینی در مناطق دانشگاهی و لذا توسعه صنایع ساختمان در مناطق محورم و غیره.
۴. تحول فرهنگی در جوامع سنتی
۵. افزایش میزان نقل و انتقال در وسایل حمل و نقل.
۶. توسعه وسایل فرهنگی، مانند کتاب و نوشت افزار پیشرفته.
۷. توسعه سیستمهای کامپیوتری و مکانیزه.
۸. توسعه ارتباطات مردم مختلف ایران با یکدیگر.

عوامل منفی

۱. بیکاری تعداد زیادی از تحصیلکرده‌ها بدلیل خجالت در اشتغال به مشاغل پایین پس از تحصیلات.
۲. بیکاری بسیار زیاد چنانچه این دانشگاهها تعطیل شوند.
۳. معکوس یا متضاد شدن فاکتورهای تشریحی مندرج در عوامل مثبت.
۴. تقلیل در نمودارهای فاکتورهای توسعه یافتگی کشور (در اثر تعطیل این دانشگاهها).
۵. تقلیل در ارزش کیفی ارزیابی مدارک این دانشگاهها در خارج کشور و بسط شهرت نامناسب.
۶. نزول در کیفیت کارآیی تحصیلکرده ها و اثر منفی بر روی دانشجویان دانشگاههای دولتی و مفید.

ج: پارادوکس کالا- اشتغال و توسعه

سدسازی - کارهای ساختمانی- اتومبیل سازی - صنعت نفت قابلیت توسعه اشتغال را داشته و عامل تکثیر کننده اشتغال می باشد.

الف: (عوامل منفی) ماشین سازی
آلودگی محیط زیست، ترافیک، هدر رفتن ارز کشور در اثر واردات بنزین، تخدیر اعصاب، حوادث مرگبار و تصادفات هزینه ساز و وقت گیر

(عوامل مثبت) ماشین سازی
در این اشتغال صنایع و ساخت و فروش/خرید کالاهای ذیل رشد می نماید.

- ۱- قطعات موتور (پیستون، سرسیلندر، سیلندر، ...)
- ۲- قطعات دستگاها با موتور (کاربراتور، موتور)
- ۳- وسایل برقی مکانیکی (کوئیل، شمع، پلاتین، دلکو، آفتمات استارت) وسایل برقی (کابل، چراغ، پریز، ...)
- ۴- گیربکس (قطعات/دستگاه)
- ۵- دیفرانسیل، میل گاردن، ۴ ساخ گاردن، سگ دست، پلوس و ...)
- ۶- تایر و سایر وسایل لاستیکی
- ۷- فنر، کمک فنر، ...
- ۸- باطری، ...
- ۹- صندلی، چرم و ...
- ۱۰- شیشه آلات (لامپ ها، پنجره ها و ...)
- ۱۱- قفل، وسایل ایمنی، دستگیره ها، کلید
- ۱۲- فیلترها
- ۱۳- انواع و اقسام پیچ و مهره ، بلبرینگ، وسایلی که کاربرد سیم بوبین را دارد مانند (دینام، ...)

همانطور که الزاماً نام قطعات برده شد، در هر کدام از صنایع مربوط به ساخت ماشین آلات؛ مشاغل فوق العاده زیاد و مستلزم بکارگیری تعداد زیادی پرسنل می باشد.

بطور طبیعی و علی الاصول در مقابل هر کارمند و کارگر عملیاتی، یک کارمند امور اداری و مالی جهت امور پرسنلی (کاخداری، محاسبه حقوق، مرخصی، محاسبه کارانه، رتبه، برنامه ریزی امور انسانی، حراست، تعمیرات داخلی، ...) لازم دارد و لذا اشتغال به نسبت کارکنان عملیاتی دو برابر می شود. چنانچه هر کارمند را نان آور یک خانواده (۵ نفر) حساب کنیم. در واقع یک کارمند عملیاتی ساخت ماشین عبارت می شود از سرپرستی ۱۰ نفر

$$1 \times 2 \times 5 = 10$$

اگر ۱۵ عمل مختلف را در ماشین سازی در نظر بگیریم (سرپرستی و اشتغال) $15 \times 10 = 150$

نفر نفر

اگر ۱۰ نوع اتومبیل ساخته شود. (اشتغال و سرپرستی برای اتومبیل سازی) $150 \times 10 = 1500$ چنانچه مجموعه کالاهای صنعت اتومبیل سازی با اضافه ماشین آلات راهسازی را در نظر بگیریم می توان میزان اشتغال و تعداد سرپرستی را محاسبه نمود.

د: صنایع

۱- صنعت ساختمان

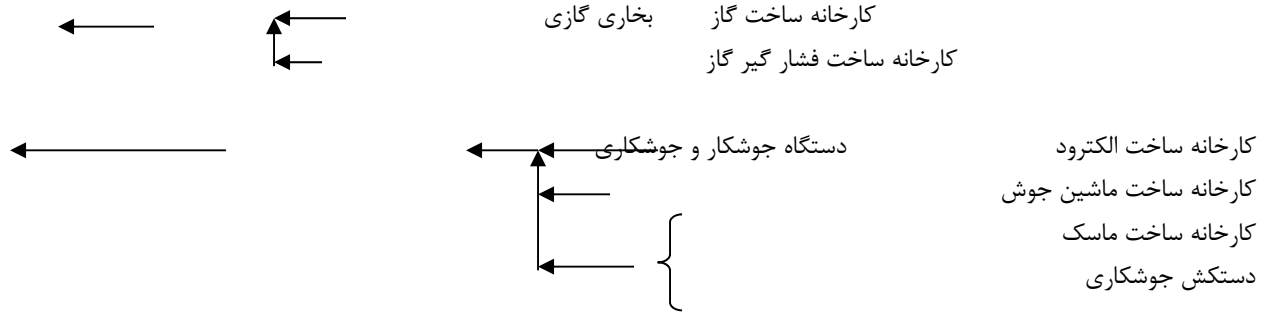


(عوامل منفی)

- صنایع ساختمان، دارای عوامل منفی بسیار کمتری در مقایسه با ماشین آلات می باشد چون اولاً ممکن است یکی از ملزومات غیر قابل جانشینی و راه حل است و هر شخص نیاز مسکن دارد (با اتومبیل و وسایل خانگی یا بدون آن ...) اما صنعت ساختمان بصورت غیرمستقیم عامل گرانی سایر کالاها و تراکم در محیطهای شهر می باشد.

(عوامل مثبت)

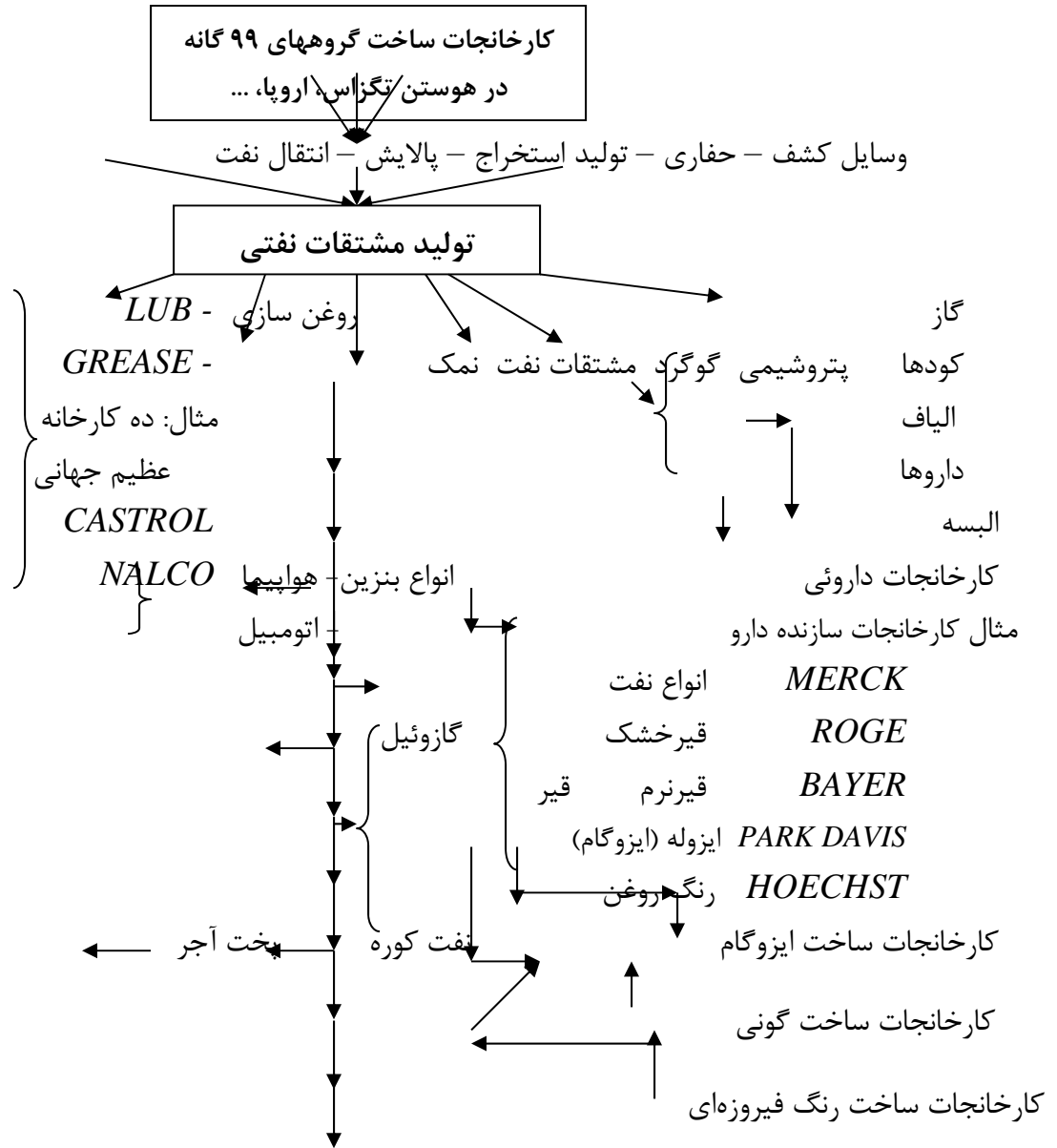
عوامل مثبت صنعت ساختمان، اشتغال در تمام سطوح آنها بدون نیاز به کارمندان اداری مالی به نسبت زیاد می باشد
(کالاهای مورد نیاز به ساختمان)



ملاحظه می شود که صنایع ساختمان موج ساز کلیه صنایع می باشد و تعداد اشتغال موج اول به دوم بصورت لگاریتمی می باشد.

۲- کالاهای حاصله از صنعت نفت

کالاهای حاصله از سدسازی دارای کالا و اشتغال دو تناوبی میباشد. کالاهائیکه صنعت گت را بوجود می آورند کالاهائیکه از صنعت نفت بهره جسته و حاصل می شود.



چنانچه در *DIRECTORY* های ساخت کالاهای نفتی مانند *COMPOSITE CATALOGES* مراجعه شود لیست و نوع کارخانجاتی که صنایع تولید نفت را می توان استخراج نمود و تعداد آنها و پرسنل تقریبی آنها را سرشماری نموده و از طرف دیگر عامل توسعه اقتصادی را دارد تولید کالاهای مولد و تولید نفت خام بدست آورد.

نویسنده : حسین زارع شهنه